

یادداشت سردبیر

تعمیق تدریجی آموزه‌های اصیل شیعی در جمهوری آذربایجان
 واکاوی اوضاع فرهنگی و اجتماعی جمهوری آذربایجان مبین برخی
 واقعیت‌هاست که یکی از مهمترین آنها را می‌توان تحت عنوان «تعمیق تدریجی
 آموزه‌های اصیل شیعی» در بین مردم دومین کشور شیعی جهان - از لحاظ



ترکیب جمعیتی - مورد بررسی قرار داد.

مردم مسلمان جمهوری آذربایجان پس از استقلال در سال ۱۹۹۱ بسان تشنگانی که یکبارہ آب زلالی یافته باشند به سوی دین شتافتند و از طریق بازگشایی مساجد و برگزاری برنامه‌های مختلف مذهبی و نیز برقراری ارتباط گسترده با مجامع دینی و حوزه‌های علمیه ایران عشق و علاقه قلبی خود به اندیشه‌های شیعی و فرهنگ ایرانی را نشان دادند که البته بنا به دلایل مختلف این شرایط ادامه نیافت و با لغو مجوز حزب اسلامی باکو که مهمترین نهاد مروج اندیشه‌های شیعی محسوب می‌گردید، جریان ترویج تشیع رو به افول گذاشت. دستگیری رهبران حزب اسلامی و ایجاد محدودیتهای فراوان برای اعضای این حزب از سال ۱۹۹۶، تثبیت دولت سکولار در جمهوری آذربایجان و واهمه آن از الگو گیری مردم آذربایجان از انقلاب اسلامی ایران، تبلیغات منفی احزاب ضدایرانی باکو و رقبای منطقه ای و دشمنان فرمانطقه ای

علیه ایران در جریان مناقشه قره باغ، سطحی بودن اعتقادات شیعی در بین مردم جمهوری آذربایجان و برخی شتاب زدگیها و بی تدبیریها در نوع ترویج احکام اسلامی در بین مردمی که دهه های متمادی به دور از معارف دینی بودند در مجموع باعث شد چراغ تازه روشن شده اسلام در جمهوری آذربایجان بسیار کم سو شود هرچند که خواست الهی مانع از خاموش شدن کامل آن گردید؛ پس از این جریان؛ مردم مسلمان جمهوری آذربایجان به ویژه دینداران این کشور که پس از قرار داهای گلستان و ترکمنچای همواره سرگذشت غم انگیزی را تجربه کرده بودند دوران مشابهی را پشت سر گذاشتند تا اینکه برخی تحولات داخلی و خارجی باعث گردید که مرحله جدیدی از حیات تشیع در جمهوری آذربایجان آغاز شود که این مرحله را می توان «تعمیق تدریجی آموزه های اصیل شیعی» در میان مردم بزرگترین کشور منطقه قفقاز نامگذاری نمود.

انتشار مقاله موهن رافیق تقی یف نویسنده نشریه صنعت باکو تحت عنوان «اروپا و ما» در سال ۲۰۰۶م (۱۳۸۵ش) که در آن به طور وقیحانه ای به ساحت مقدس پیامبر گرامی اسلام اهانت شده بود موجب شد احساسات مذهبی جمع کثیری از مردم جمهوری آذربایجان تحریک گردد؛ عکس العمل شدید مراجع تقلید و علمای ایران به این موضوع و راهپیمایی های اعتراض آمیز مردم و دانشگاهیان برخی شهرهای ایران در کنار اعتراضات مردم شیعه آذربایجان در داخل این کشور و نیز در کشورهایی مانند روسیه و... باعث گردید مرحله نوینی از جریان اسلام خواهی مردم جمهوری آذربایجان شروع گردد که در طی آن دولت مجبور به پذیرش خواست مردم در خصوص برخورد با عوامل توهین به پیامبر اسلام گردید.

در کنار عامل فوق که یکی از مهمترین دلایل شروع حرکت مذهبی مردم جمهوری آذربایجان در بعد سیاسی - اجتماعی محسوب می گردد برخی عوامل خارجی مانند پیروزی حزب الله لبنان در جنگ سی و سه روزه - که تنها چندماه قبل از موضوع فوق اتفاق افتاده بود - قدرت یابی شیعیان عراق، روی کار آمدن دولت نهم در ایران که بیش از دولت های قبلی بر اندیشه های دینی در بعد بین المللی تاکید داشت و نیز ایستادگی مردم ایران در موضوعاتی مانند مساله هسته ای و... باعث سرعت گرفتن حرکت های سیاسی - اجتماعی مذهب محور در جمهوری آذربایجان گردید، که اقداماتی مانند مقاومت مردم در برابر لایحه منع حجاب در مراکز آموزشی، مقاومت مردم در مقابل افتتاح پارک دوستی اسرائیل، ایستادگی مردم در مقابل ممنوعیت پخش اذان از مناره های مساجد، افزایش روز افزون حجاب اسلامی علیرغم وجود محدودیتهای فراوان، افزایش حضور جوانان در مساجد، افزایش سفر مردم آذربایجان به شهرهای زیارتی مانند مشهد، کربلا و...؛ انجام تظاهرات گسترده در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه؛

برگزاری مراسم عزاداری در سالروز وفات پیامبر در میدان فضولی باکو علیرغم ضرب و شتم ماموران امنیتی و بالاخره مقاومت سرسختانه مردم در مقابل حکم دادگاه عالی باکو مبنی بر تخریب مسجد حضرت فاطمه زهرا و... که در اکثر این موارد دولتمردان آذربایجان برخلاف خواست قلبی و پس از مدتها تلاش جهت اجرایی نمودن اهداف خود مجبور به عقب نشینی شده‌اند جملگی نمونه‌هایی از جریان پیش گفته هستند که نشان از «تعمیق تدریجی آموزه‌های اصیل شیعی» در بین مردم جمهوری آذربایجان دارد. در این میان آنچه بدیهی است اینکه دولت آذربایجان و دولت‌های صاحب نفوذ در این جمهوری به خوبی متوجه جریان آرمان خواهی دینی مردم جمهوری آذربایجان شده‌اند که در این راستا اقدامات ضد شیعی خود را تشدید نموده‌اند، مواردی مانند تبلیغ فرهنگ برهنگی غرب در رسانه‌های تصویری؛ تشدید اقدامات ضد دینی برخی رسانه‌های مکتوب، ایجاد محدودیتهای فراوان برای بانوان محجبه مانند عدم صدور گذرنامه و عدم صدور شناسنامه با عکس دارای پوشش اسلامی جمع‌آوری نمادهای اسلامی از ادارات دولتی؛ ممنوعیت توزیع کتب شیعی به ویژه رساله‌های عملیه مراجع تقلید ایرانی؛ حمله و حشتناک ماموران امنیتی به مردم عزادار روستای چهار هزار نفری «بنن یار» در جمهوری خود مختار نخجوان؛ پی‌گیری سیاست مسجدستیزی از طریق تخریب یا تعطیل نمودن مساجد؛ ممنوعیت فعالیت دینی آن دسته از افرادی که در خارج از کشور تحصیل دینی نموده‌اند؛ ممنوعیت کاندیدا شدن خادمان دینی (روحانیون) در انتخابات مختلف و... از جمله فعالیت‌های دولت جمهوری آذربایجان در این زمینه می‌باشد؛ علاوه بر این برخی کارشناسان مسائل قفقاز بر این باورند که یکی از دلایل افزایش سفرهای مسئولین رژیم صهیونیستی و آمریکا به جمهوری آذربایجان واهمه آنان از رشد حرکت‌های سیاسی - اجتماعی شیعیان جمهوری آذربایجان می‌باشد که بر مبنای آموزه‌های دینی صورت می‌گیرد. سفر سال گذشته شیمون پرز رئیس جمهور، آویگدور لیبرمن وزیر خارجه و ایهود اولمرت نخست وزیر سابق اسرائیل به باکو علیرغم مخالفت شدید مردم آذربایجان و تشدید سیاست مسجدستیزی دولت آذربایجان به دنبال آن و نیز سفر دولتمردان آمریکایی مانند هایسلستا ولاند دستیار معاون وزیر دفاع آمریکا در امور اروآسیا، رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا، هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا طی چند ماه اخیر به جمهوری آذربایجان بیانگر احساس خطر مشترک آنها از «تعمیق تدریجی آموزه‌های اصیل شیعی» در بین مردم دومین کشور شیعی جهان می‌باشد. البته ناگفته پیداست سفرهای اخیر مسئولین آمریکا اهداف دیگری مانند تقویت و جبهه تضعیف شده آمریکا در منطقه و نیز زمینه سازی برای ایجاد پایگاه نظامی در باکو در صورت لزوم و... نیز داشته است.

اخیرا متیو برایزا نامزد سمت سفیری آمریکا در جمهوری آذربایجان که از سال ۲۰۰۵ به عنوان معاون وزیر خارجه آمریکا در امور اروپا و آسیا و قفقاز جنوبی و نماینده آمریکا در امور حل مناقشه قره باغ کوهستانی مشغول به فعالیت بوده است، اظهار داشته «آذربایجان خود را به عنوان یکی از متفقین اساسی آمریکا در منطقه نشان داده است؛ متیو برایزا گفته است: «آذربایجان در آستانه اروپا، خاورمیانه و آسیای مرکزی قرار گرفته و با ایران هم مرز است. مردم این کشور مسلمان و دولت آذربایجان هم سکولار است. آذربایجان از لحاظ منابع انرژی به یکی از کشورهای اساسی منطقه تبدیل شده است».

با مذاقه در سخنان فوق می توان الویتها و نگرانیهای آمریکا در خصوص جمهوری آذربایجان را متوجه شد؛ از نظر دولتمردان آمریکایی؛ وجود دولت سکولار در آذربایجان و اطاعت پذیری آن از دولت آمریکا، موقعیت استراتژیک این کشور و وجود منابع سرشار انرژی در آذربایجان از جمله موارد مطلوب آمریکا در منطقه قفقاز جنوبی است ضمن اینکه، هم مرز بودن - و البته اشتراکات فرهنگی، تاریخی و مذهبی - ایران و آذربایجان و نیز مسلمان بودن مردم آذربایجان و احتمال بالای الگوگیری آنان از مسلمانان ایران؛ از جمله چالشهای آمریکا در منطقه محسوب می گردد که طبیعی است بهترین راه حل متصور برای آمریکا در این خصوص مقابله با روند «تعمیق تدریجی آموزه های اصیل شیعی» در آذربایجان می باشد. البته از دیدگاه برخی کارشناسان وجود مرزهای طولانی بین ایران و آذربایجان با توجه به نوع رابطه دولت آذربایجان و آمریکا، فرصت مغتنمی برای اعمال سیاستهای ضدایرانی آمریکا محسوب می گردد.

احساس خطر از «تعمیق تدریجی آموزه های اصیل شیعی» در بین مردم جمهوری آذربایجان به دولت آذربایجان، رژیم صهیونیستی و آمریکا اختصاص نداشته بلکه برخی جریانهای انحرافی مانند وهابیت و بهائیت نیز با احساس واهمه از این موضوع، دست به کار شده اند، به طوری که چندی پیش رئیس حزب اسلامی آذربایجان در گفتگو با برخی رسانه های آذربایجان اظهار داشته بود «افکار وهابیت با سرمایه های عربستان در این کشور در حال گسترش است» همچنین محسن صمداف تصریح کرده بود «وهابیان از سال ۱۹۹۷ تاکنون پایگاه هایی را در آذربایجان تاسیس کرده اند و با ساخت و نفوذ در مساجد این کشور به تبلیغ عقاید خود می پردازند.» وی اضافه نموده بود «وهابیان با سوء استفاده از شرایط نامناسب اقتصادی مردم آذربایجان میلیاردها دلار سرمایه گذاری کرده و در حال حاضر این سرمایه گذاری باعث گرایش بالغ بر ۱۵ هزار نفر به این فرقه گردیده است».

البته ناپستی ناگفته بماند که جریان «تعمیق تدریجی آموزه های اصیل شیعی» در بین عموم مردم جمهوری آذربایجان به صورت کم رنگ و در بین بخشی از مردم این کشور که در ادبیات عمومی مردم تحت

عنوان «دیندار» شناخته می‌شوند، به صورت کاملاً مشخص جریان دارد و در حال حاضر گرچه عموم مردم خود را مسلمان می‌دانند و اعتقاد قلبی به دین اسلام و مذهب تشیع دارند و حتی در برخی برنامه‌های دینی مانند حضور در امام زاده‌ها و مراسم روز عاشورا... شرکت می‌نمایند، لیکن به دلیل سالها دوری از معارف اسلامی برداشتی سطحی و بعضاً همراه با خرافه از اسلام و تشیع دارند.

از آنچه مذکور افتاد بیش و پیش از هر موضوعی لزوم پشتیبانی علمی، فکری، معنوی و رسانه‌ای از «جریان تعمیق تدریجی آموزه‌های اصیل شیعی» مردم آذربایجان به ذهن متبادر می‌گردد که در این میان در کنار همه شیعیان گیتی، ملت ایران به ویژه مردم مناطق آذری نشین به دلیل اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی؛ رسالت سنگینی بر عهده دارند. البته بدیهی است که در این عرصه وظیفه اصلی بر عهده علما، دانشگاهیان، اصحاب فکر و اندیشه، اصحاب قلم، اصحاب رسانه و همه نهادها و مجموعه‌های فرهنگی است، ناگفته پیداست حمایت معنوی مردم ایران از جریان «تعمیق تدریجی آموزه‌های اصیل شیعی» مردم آذربایجان نه تنها بر پایه شرعی که بلکه بر مبنای عقلی استوار بوده و در راستای تامین امنیت و منافع ملی قلمداد می‌گردد، چراکه رژیم صهیونیستی و آمریکا نفوذ در جمهوری آذربایجان را نه هدف غایی خود بلکه ابزاری می‌دانند که در وقت لزوم از آن جهت اعمال سیاستهای ضد ایرانی خود استفاده نمایند و بدیهی است که تنها تقویت اعتقادات و باورهای اصیل شیعی در بین مردم جمهوری آذربایجان می‌تواند آنان را از رسیدن به اهداف خود بازدارد.

در این میان آنچه نبایستی مورد غفلت قرار گیرد رسالت دستگاه دیپلماسی کشور است که بایستی با تقویت روابط همه جانبه با دولت جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از دولتهای عضو سازمان ملل متحد زمینه حضور متقابل بخشهای مختلف تجاری، صنعتی، کشاورزی، فرهنگی و... ایران و آذربایجان در یکدیگر را فراهم نموده و ضمن حضور قدرتمند و هدفمند در جمهوری آذربایجان - که هنوز پس از گذشت نزدیک به دو قرن از قرار دادهای گلستان و ترکمنچای می‌توان نمادهای فرهنگ ایرانی را در آن به نظاره نشست - مانع از یکه تازی قدرتها و کشورهایی گردد که هیچگونه قرابت تاریخی و فرهنگی با جمهوری آذربایجان ندارند.